

اشاره:



این نوشتار ترجمه بخشی از کتاب «الاسلام والعنف» تألیف دانشمند معاصر، دکتر یوسف قرضاوی است. این کتاب به تحلیل موضوع جهاد و مشروعیت آن در عصر حاضر می پردازد و با تعریف خشونت و ترور، تفاوت آن را با جهاد مشروع در اسلام بیان می کند.

فصل دیگری از کتاب به تحلیل جنگ آمریکا در خاورمیانه و حمله به کشورهای اسلامی از جمله افغانستان و عراق می باشد که با محکوم خواندن آن، آن را مساوی با خشونت و رفتارهای غیر انسانی بر علیه مردم مظلوم می داند. آیا جهاد درسزمینهای اشغالی (فلسطین) مشروعیت دارد یا خیر و آیا عملیات انتحاری (شهادت طلبانه) خودکشی است یا شهادت؟ و این عملیات چه تفاوتی با خشونت و ترور دارد؟ و سایر شبهاتی که بر قضیه جهاد در فلسطین وارد می شود، سوالاتی هستند که ترجمه این بخش از کتاب پاسخ آن را به روشنی بیان می کند.

آیا خشونت و ترور مسئله‌ای واحد هستند یا بین آنها تفاوتی وجود دارد؟

بعضی بر این باورند که بین این دو فرقی وجود ندارد و آنها را موضوع واحدی در نظر می‌گیرند. اما نظر من این است که بین آنها عموم و خصوص وجود دارد، یعنی هر تروری، خشونت است، اما هر خشونت، ترور نیست. تعریف خشونت از نظر من این است که گروهی از افراد در غیر موضع و جای خود از اسلحه‌ها و نیروهای مادی استفاده کنند، در حالی که این به کارگیری، هیچ‌گونه توجیه شرعی، اخلاقی و انسانی نداشته باشد و اینکه می‌گوییم در غیر موضع و جای خود استفاده شود، منظور این است



# حدفاصل خشونت و تروریسم در اسلام

دکتر یوسف قرضاوی

مترجم: جهاننار امینی / فارغ التحصیل رشته فقه شافعی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فقه مقارن و حقوق جزای اسلامی دانشگاه مذاهب اسلامی

jahandaramini@yahoo.com



مجلس شورای اسلامی ایران  
کتابخانه مجلس شورای اسلامی

که به کارگیری ابزار، زمانی صورت گیرد که امکان حل مسئله با گفتگوی منطقی و یا مباحثه و مناظره وجود داشته باشد. این افراد هنگام به کارگیری، توجه و اهمیتی به کشتار مردم نمی‌کنند و از خود نمی‌پرسند که آیا این کار جایز است یا خیر؟ و اگر از آنها پرسیده شود که چرا این کار را انجام می‌دهید، بلافاصله خود را مفتی و قاضی و ... به حساب می‌آورند. این خشونت است که از نظر ما مردود و محکوم است.

اما ترور به کارگیری خشونت و تندی با کسانی است که بین عاملان خشونت و آن افراد، هیچ‌گونه خصومت و درگیری وجود نداشته باشد؛ بلکه هدف، ترساندن و فشار آوردن به گروه دیگری است تا آنها را مجبور به تسلیم خواسته‌های خود کنند. از جمله [این کارها]: هواپیماربابی، می‌باشد. اگرچه بین هواپیمارباها و خلبان و سرنشینان هواپیما، خصومت و نزاعی نیست، اما این کار به منظور فشار وارد کردن به افراد یا گروه مشخصی می‌باشد، مثلاً فشار وارد کردن به حکومت و دولت یک کشور برای مطالبه یک سری خواسته، که از جمله این خواسته‌ها می‌تواند برای آزادکردن زندانیان یا مطالبه پول و ... که در صورت قبول نکردن خواسته‌های آنها، سرنشینان هواپیما را به قتل می‌رسانند و یا هواپیما را منفجر می‌کنند. از دیگر موارد این اعمال تروریستی، گروگانگیری است که افرادی را که اصلاً نمی‌شناسند به گروگان می‌گیرند و مطالبات خود را از گروه یا افراد معینی می‌طلبند. مانند جماعت ابوسیف در جنوب فیلیپین که مشغول این کار می‌باشند و یا مانند حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا و انفجار برج‌های دوقلو که بین هواپیما رباها و افراد کشته شده در این حادثه، هیچ‌گونه دشمنی وجود نداشت؛ بلکه این کار واکنشی بود برای تأثیر بر سیاست‌های آمریکا. اگر خشونت را به صورت عام محکوم می‌کنیم، ترور را به طور خاص

به سبب تجاوز به مردمی که نسبت به آنها مرتکب گناه و اشتباهی نشده‌اند، محکوم می‌کنیم و به این مسئله در قرآن و دیگر کتاب‌های آسمانی اشاره شده است: «و لا تزر وازرة وزر أخرى؛ هیچ کس بار گناهان دیگری را بر دوش نمی‌کشد.» (نجم، ۳۸) ترور موجب وحشت و ایجاد ترس در افراد بی‌گناه می‌گردد که هر نوع ترساندن و به وحشت انداختن مردم در نظر، اسلام ظلم است و ممنوع.

تقریباً ۱۰، ۱۲ سال پیش فتوایی در تحریم هواپیماربابی صادر کردم. این فتوا پس از حادثه هواپیماربابی شهر کویتیه بود که سرنشینان آن نزدیک به شش ماه زندانی شده بودند و یکی، دو نفر از آنها نیز کشته شدند. همچنین فتوایی در تحریم گروگانگیری بر علیه آنچه جماعت ابوسیف در فیلیپین مرتکب می‌شدند، صادر کردم. مگر این گروگانها چه گناهی مرتکب شده‌اند که باید تحت فشار و شکنجه قرار گیرند و یا کشته شوند.

در مورد حادثه ۱۱ سپتامبر نیز یک سخنرانی داشتم که در آن عملیات جنایتکارانه آن را به شدت محکوم کردم. هرچند عاملان آن از هر آیین و سرزمینی باشند.

این تنها دیدگاه و رأی من نیست؛ بلکه من آن را از مصادر اسلامی از جمله: قرآن و سنت و فقه و شریعت استخراج کرده‌ام.

### فرق جهاد مشروع با خشونت ممنوع

لازم است تعریف دقیق جهاد در اسلام که به منظور دفاع از دین و وطن و مقدسات اسلامی می‌باشد را بدانیم و سپس تفاوت آن را با خشونت که ما آن را حرام می‌دانیم و محکوم می‌کنیم، مشخص و معلوم شود.

اگرچه، هم در جهاد اسلامی و هم در خشونت از جنگ‌افزار، استفاده می‌شود، اما جهاد، با تبیین هدف آن و وضوح شرایط آن و التزام به یک سری

ترور به کارگیری خشونت و تندی با کسانی است که بین عاملان خشونت و آن افراد، هیچ‌گونه خصومت و درگیری وجود نداشته باشد؛ بلکه هدف، ترساندن و فشار آوردن به گروه دیگری است تا آنها را مجبور به تسلیم خواسته‌های خود کنند

آنچه واضح است، این است که نیروهای فلسطینی، تاب مقابله با دشمن اسرائیلی که دارای اسلحه‌های خطرناک کشتار جمعی، از جمله سلاح هسته‌ای است را نخواهد داشت. بنابراین، وظیفه دفاع از فلسطین بر همسایه‌های مسلمان این سرزمین واجب عینی می‌باشد. اما متأسفانه کشورهای عربی همسایه فلسطین، ضعیف و حقیر شده‌اند و فلسطین را با امکانات ناچیزش در مقابل دشمن سرسخت و ظالمی که با تمامی امکانات تسلیحاتی مسلح است و هیچ گونه ترحمی ندارد، تنها ورها ساخته‌اند

احکام شرعی و اخلاقی که اسلام به آن امر می‌کند، از جمله رعایت آداب قبل از جنگ، هنگام جنگ و بعد از آن میانی آن به طور کامل روشن می‌گردد. اما خشونت‌هایی که بعضی گروه‌ها (که شاید عده‌ای از آنها خود را منتسب به اسلام می‌دانند) از خود نشان می‌دهند با بررسی اجمالی ضعف و نقص از هدف و شرایط و ابزار آن، معلوم می‌شود. البته بیشتر این حرکات از طرف جوانانی هیجان‌زده انجام می‌گیرد که هیچ شناختی از فقه شریعت و فقه واقع ندارند و در واقع احساسات آنها بر عقل‌شان غلبه پیدا کرده است و تعصب بر علم و فهم آنها غلبه دارد و زندگی و مردم را با عینک بدبینی مشاهده می‌کنند و سوءظن شدیدی به اطرافیان دارند و به سرعت دیگران را متهم به فسق و کفر و شرک می‌کنند؛ به گونه‌ای که آنها را از دایره اسلام خارج می‌دانند.

جهاد یعنی به کار گرفتن توان و نیرو در موضع خود و به اندازه‌ای که ضرورت جهاد اقتضا می‌کند و البته با دشمنی است که به اسلام و مسلمین تجاوز نموده است و ایجاد فتنه می‌کند و به اخراج مسلمانان از سرزمین خود مبادرت می‌ورزند و به اذیت و آزار مستضعفان همت می‌گمارند و حقوق آنها را نادیده می‌گیرند و مملکتشان را به اشغال درمی‌آورند و به هتک مقدسات آنها اقدام می‌ورزند. جهاد در چنین حالتی مشروع و واجب است «و قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم و لاتعتدوا ان الله لایحب المعتدین»؛ در راه خدا بجنگید با کسانی که با شما می‌جنگند و تجاوز و تعدی نکنید؛ زیرا خداوند تجاوزگران را دوست نمی‌دارد. (بقره، ۱۹۰)

### مشروعیت جهاد در فلسطین

بدون شک بهترین نوع جهاد در عصر حاضر که به مشروعیت دینی نزدیک است، جهاد برای آزادسازی فلسطین اشغالی می‌باشد. همان سرزمین اسراء و معراج، سرزمین اقصی و قبله اول مسلمانان و یکی از سه مسجد محترم و مقدس در اسلام که خداوند آن را متصل به مسجد الحرام می‌کند که ابتدای سفر شبانه پیامبر از مسجد الحرام و انتهایش به مسجد الاقصی و سپس به آسمانها پوده است.

«سبحان الذی اسرى بعیده لیلًا من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی الذی بارکنا حوله...؛ تسبیح و تقدیس خدایی را سزا است که بنده خود را در شبی از مسجد الحرام به جایی برد که دور و بر آن را پر برکت ساخت.» (اسراء، ۱)

این سرزمین مقدس به خبیث‌ترین و فاجرترین و

شرورترین نوع استعمار مبتلا شده است و آن استعمار صهیونیست نژاد پرست، اشغالگر و تروریست وحشی است که کرامت و حرمت انسانی را نادیده می‌گیرند و بر خود لازم می‌دانند که در مقابل مؤمنان کوچک‌ترین بر خورد منصفانه نداشته باشند. این استعمار با به کارگیری خشونت و وحشی‌گری خود را مالک منطقه و سرزمینی می‌داند که تا نیم قرن پیش هیچ گونه تعلقی به آن نداشته‌اند و اکنون با هر حيله و نیرنگی و با کمک گرفتن از آمریکا و انگلیس خود را مسلط بر این سرزمین کرده و مردم آن را آواره گردانیده است.

آنچه مورد اتفاق دانشمندان اسلامی می‌باشد، این است که بر مسلمانان فلسطین واجب است برای بیرون راندن دشمن اشغالگر، پیر و جوان، زن و مرد به پا خیزند و این امر، واجبی عینی است که تک تک افراد باید، به اندازه توانایی خود به آن اقدام ورزند.

بنابراین در چنین شرایطی بعضی از حقوق فردی ساقط می‌شود، از جمله زن برای رفتن به جهاد، نیازی به اجازه شوهر ندارد و فرزند و خادم نیز نیازی به اجازه پدر و سید خود ندارند؛ چرا که حقوق اجتماع از قبیل: حفظ و نگهداری آزادی و امنیت، امری مهم تر از حقوق فردی، شوهران و پدران و ... است. اما اگر مردم فلسطین از عهده این وظیفه، یعنی خارج کردن و پاک‌سازی سرزمین از اشغالگران بر نیامند، این وظیفه بر عهده کشورهای همسایه مسلمان است که باید آنها را یاری دهند. اما اگر کشورهای اسلامی نیز نتوانستند (همان چیزی که امروزه مشاهده می‌کنیم) این وظیفه بر عهده مسلمانان خواهد بود و این چیزی است که احکام شرعی و فقه اسلامی و همه مذاهب مختلف آن را تأیید می‌کنند.

اما واقعیت این است که فلسطینیها تمامی سعی و تلاش خویش را در این راستا انجام داده‌اند و کوتاهی نکرده‌اند، از قبیل: تقدیم عزیزترین قهرمانان خود در راه مقاومت، عملیات شهادت طلبانه، نبردهای مختلف در شهر و اردوگاه به‌رغم کمترین امکانات و کمکهای مالی و نظامی و باوجود آتش بس، بستن آنها با توپ و تانک و هواپیما و ویران کردن خانه‌ها و به آتش کشاندن مزارع و قلع و قمع درختان و آواره کردن از خانه هایشان و در محاصره قرار دادن آنها (محاصره اقتصادی، غذایی و ...) برای تسلیم شدن به خواسته‌های شوم صهیونیست، اما با این وجود خوشبختانه آنها کوچک‌ترین یأس و ناامیدی



بدون شک بهترین نوع  
جهاد در عصر حاضر  
که به مشروعیت دینی  
نزدیک است، جهاد برای  
آزاد سازی فلسطین  
اشغالی است

عملیات شهادت  
طلبانه ای که گروههای  
فلسطینی در راستای  
مقاومت و انتفاضه انجام  
می دهند جزء خشونت  
و تروری نیست که آن  
را ممنوع و محکوم  
می نماییم، اگر چه به ظاهر  
موجب ضربه رساندن به  
بعضی می شود



و روزنامه نگاران و ... متوسل شوند تا سخن حق را به حکومتها تفهیم و آنها را مجبور به اجابت خواسته های آنان گردانند؛ چرا که قوام حکومتها وابسته به مردم است و نمی توانند از آنها جدا شوند و همانند روح و جسدی هستند که نمی توانند بدون همدیگر حیات داشته باشند و حداقل کار این است که حکومتها زمینه ای فراهم نمایند تا فرزندان و جوانان غیور کشور و آنهایی که توانایی دارند، بتوانند به یاری مقاومت و انتفاضه بروند و به آرزوهای خود در این راستا نایل گردند .

و قطعاً گروهی خواهند آمد که برای اعلای کلمه الله با دجال و اعوان آنها به مبارزه برخیزند؛ چراکه این جهاد پر مردم فلسطین به صورت خاص و بر مسلمانان جهان به صورت عام واجب عینی می باشد.

#### عملیات شهادت طلبانه بالاترین نوع جهاد

عملیات شهادت طلبانه ای که گروههای فلسطینی در راستای مقاومت و انتفاضه انجام می دهند جزء خشونت و تروری نیست که آن را ممنوع و محکوم می نماییم، اگر چه به ظاهر موجب ضربه رساندن به بعضی می شود، اما دلایلی که در تأیید این موضوع وجود دارد، به این شرح است:

۱. رژیم اسرائیل، رژیم استعماری و نژاد پرست و غاصب و رژیمی است که کاملاً نظامی و مسلح است، یعنی هر شهروند اسرائیلی که به سن رشد رسیده است؛ چه زن و چه مرد، عضوی از ارتش

به خود راه ندادند و سر تسلیم در مقابل آنها خم نکردند .

اما آنچه واضح است، این است که نیروهای فلسطینی، تاب مقابله با دشمن اسرائیلی که دارای اسلحه های خطرناک کشتار جمعی، از جمله سلاح هسته ای است را نخواهد داشت بنابراین، وظیفه دفاع از فلسطین بر همسایه های مسلمان این سرزمین واجب عینی می باشد. اما متأسفانه کشورهای عربی همسایه فلسطین، ضعیف و حقیر شده اند و فلسطین را با امکانات ناچیزش در مقابل دشمن سرسخت و ظالمی که با تمامی امکانات تسلیحاتی مسلح است و هیچ گونه ترحمی ندارد، تنها و رها ساخته اند؛ لذا با وجود این مشکلات وظیفه حمایت از سرزمین اشغالی بر همه مسلمان جهان لازم می باشد که باید کوچک و بزرگ، زن و مرد، همه و همه با تقدیم جان و مال در راه خدا، به اندازه توانایی خود، این جهاد مقدس را یاری رسانند .

بر مسلمانان واجب است که اگر سرزمینی از سرزمینهای اسلامی توسط دشمن غاصب به اشغال در آید، برای آزادی آن برخیزند. چه برسد به اینکه اکنون قبله اول مسلمانان یعنی سرزمین اسراء و معراج به اشغال در آمده است.

اما اگر حکومتها از این وظیفه ( دفاع از انتفاضه ) سرباز زدند باید مردم مسلمان با هر وسیله ممکن حکومت را تحت فشار قرار دهند. از جمله: امر به معروف و نهی از منکر یا به کمک گرفتن از علماء و داعیان و متفکران و روشنفکران و نویسندگان

صهیونیستی می باشند، به این گونه که هر اسرائیلی بالفعل یا بالقوه، سرباز جنگی محسوب می گردد و در هر لحظه، آماده حمایت مالی و نظامی به اهداف اسرائیل است و این واقعیتی است که به وضوح دیده می شود و نیازی به اثبات کردن ندارد و به ویژه کسانی که خوی نژاد پرستی دارند و خواهان ملکیت فلسطین هستند، برای نابود کردن طرف مقابل خود، حاضرند به هر خشونت و تندی ای اقدام کنند.

۲. رژیم اسرائیل یک ویژگی خاصی دارد که او را از سایر جوامع بشری ممتاز می سازد و آن خوی جنگ طلبی و زور گویی است و این نشأت گرفته

بیرون می رانند و به انواع ترور و خشونت اقدام می ورزند بنابراین، بر تمامی اقشار مردم از پیر و جوان گرفته تا زن و مرد، لازم و ضروری است که به اندازه وسعت و توان خویش جهاد در فلسطین را یاری دهند و در مقابل این استعمار زورگو و غاصب، مقاومت و آنها را از سرزمین مقدس بیرون برانند. این جهاد را دانشمندان اسلامی، جهاد اضطراری می نامند، حتی اگر در این راستا کودکان و ناتوانان نیز به شهادت رسند؛ چرا که اهمیت این جهاد به اندازه ای بزرگ است که می توان آن را یک اصل اساسی بنامیم و این شهادتها که به تبع آن صورت می گیرد، آن را فرع مسئله حساب کنیم. با توجه به اینکه گذشت زمان، ماهیت جنگ افروزی و زورگویی این اشغالگران را از بین نمی برد و غصب سرزمینهای اشغالی به ملکیت تبدیل نمی شود و شهروندان اسرائیلی از صفت نظامی گری و طاعنی گری خود دست بر نمی دارند؛ پس باید مقاومت و جهاد ادامه داشته باشد «ألا لعنة الله على الظالمین» (۱)

۳. شریعت اسلامی که تنها مرجع همه امور زندگی است، دو صفت را برای غیر مسلمانان بر می شمارد که عبارتند از: صلح طلب و جنگ طلب. اگر صلح طلب بودند، این امری مطلوب و پسندیده ما نیز می باشد و با آنها صلح و سازش می کنیم، اما اگر جنگ طلب بودند، مانیز مقابله به مثل می کنیم و با آنها می جنگیم، همان طور که خداوند می فرماید: «واقتلوهم حیث یقفتموهم وأخرجوهم من حیث أخرجوكم والفتنة أشد من القتل ولا تقاتلوهم عند المسجد الحرام حتی یقاتلوکم فیه فان قاتلوکم فلیقتلوهم کذلک جزاء الکافرین \* فان انتهوا فان الله غفور رحیم \* وقاتلوهم حتی لا تكون فتنة ویكون الدین لله فان انتهوا فلا عدوان إلا علی الظالمین؛ هر جا آنها را یافتید، ایشان را بکشید و آنها که شما را (از مکه) بیرون کرده اند، بیرون سازید و فتنه از کشتن بدتر است و با آنان در کنار مسجد الحرام کارزار نکنید، مگر آنگاه که آنان با شما بستیزند؛ پس اگر با شما جنگیدند، ایشان را بکشید، سزای کافران این چنین است و اگر دست کشیدند (و اسلام را پذیرفتند) پس بی گمان خدا آمرزنده و مهربان است و با آنان پیکار کنید تا فتنه ای باقی نماند و دین از آن خدا گردد، پس اگر دست برداشتند (و اسلام را پذیرفتند، دست از آنان بردارید؛ زیرا حمله بردن (و) تجاوز کردن جز بر ستمکاران نیست» (۲) و در سوره ممتحنه نیز



شریعت اسلامی که تنها مرجع همه امور زندگی است، دو صفت را برای غیر مسلمانان بر می شمارد که عبارتند از: صلح طلب و جنگ طلب. اگر صلح طلب بودند، این امری مطلوب و پسندیده ما نیز می باشد و با آنها صلح و سازش می کنیم، اما اگر جنگ طلب بودند، مانیز مقابله به مثل می کنیم و با آنها می جنگیم

از حمایت های همه جانبه از طرف آمریکا، روسیه و سایر کشورهای اروپایی است که سرزمینی را که هیچ تعلق به او ندارند، این چنین اشغال کرده است و ادعای ملکیت دارد و برای این هدف، فلسطین را مستعمره ساخته و به راحتی مردم را از خانه و کاشانه

می فرماید: « لا ینهاکم الله عن الذین لکم یقاتلوکم فی الدین ولکم ینخرجوکم من ديارکم ان تبرؤهم وتقسطوا لیهم ان الله یحبّ المقسطین \* انما ینهاکم الله عن الذین قاتلوکم فی الدین واکخرجوکم من ديارکم وظاہروا علی إخراجکم ان تولوهم ومن یتولهم فاولئک هم الظالمون؛ خداوند شما را باز نمی‌دارد از اینکه نیکی و بخشش کنید به کسانی که به سبب دین با شما نجنگیده‌اند و از شهر و دیارتان شما را بیرون نرانده‌اند، به درستی خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد؛ بلکه خداوند شما را باز می‌دارد از دوستی ورزیدن با کسانی که به خاطر دین با شما جنگیده‌اند و شما را از شهر و دیارتان بیرون رانده‌اند و برای اخراج شما پشتیبانی کرده‌اند و یاری داده‌اند کسانی که ایشان را به دوستی گیرند، ظالم و ستمگرند.» (۳) پس موضع مسلمانان در برابر گروه اول یعنی گروه صلح طلب برخوردی همراه با قسط و عدالت و در برابر گروه دوم یعنی جنگ طلب و زور گو برخوردی همانند آنها و در واقع متقابل به مثل می‌باشد.

۴. جمهوری فقهاء مسلمان براین مسئله اتفاق دارند که اگر سپاه دشمن در جنگ با مسلمانان گروهی از مسلمانان را به‌عنوان سپر در جلو سپاه خود قرار داده‌اند تا اولین تیرها به آنها اصابت کند، در این حالت به سپاه مسلمانان این اجازه داده شده است که به ناچار این گروه مسلمان را که به زور در اول سپاه کفر قرار گرفته‌اند را بکشند در غیر این صورت نیروهای دشمن پیشروی می‌کنند و سپاه و نسل و سرزمین اسلامی را قلع و قمع خواهند کرد بنابراین، برای یک اصل اساسی می‌بایست عده‌ای فدا شوند و این از موارد فقه موازنات بین مصالح و مفاسد می‌باشد و چون کشتن عده‌ای مسلمان که به اکراه سپر دشمن قرار گرفته‌اند جایز می‌باشد،

پس کشتن دشمنان غیر مسلمان برای آزادسازی سرزمین اشغال شده به هر طریقی جایز می‌باشد .  
۵. احکام دو گونه‌اند: احکام مربوط به حالت حق انتخاب و احکام مربوط به حالت اضطرار و دشواری؛ به گونه‌ای که برای فرد مؤمن در حالت اضطرار، امتیازات و شرایطی وجود دارد که در غیر این حالت ممکن نیست مثلاً خوردن مُردار و خون و گوشت خوک را خداوند در قرآن حرام گردانیده است، اما در جای دیگر چنین بیان می‌دارد: «... فمن اضطرّ غیر باغ ولا عاد فلا اثم علیه...؛ اگر کسی مجبور شود در صورتی که علاقه‌مند و متجاوز نباشد، گناهی بر او نیست.» (۴)

بر همین اساس فقهاء قاعده‌ای استخراج کرده‌اند که می‌گوید: «الضرورات تبيح المحظورات» ضرورتها امور ممنوعه را مباح می‌گرداند.

بر این اساس شرایط فلسطینیان، شرایطی در حالت اضطراری است و این ضرورت آنها را مجبور به انجام عملیات شهادت طلبانه می‌نماید تا دشمنان غاصب سرزمینشان را از بین ببرند و ترس و وحشت را در دشمنان بیندازند و زندگی را بر آنها سخت کنند و هر نوع آسایش و قراری را از ایشان سلب کنند که هرچه سریع‌تر به فکر فرار باشند و برگردند آنجایی که بوده‌اند و اگر دست به این عملیات شهادت طلبانه زنند، مجبور به تسلیم درمقابل زورگوییهای آنها خواهند شد و همه چیزشان را از دست خواهند داد و هیچ حقوقی به آنها تعلق نخواهد گرفت.

اگر رژیم صهیونیستی با کمکها و حمایت‌های مالی و نظامی و با توپ و تانک و هواپیما، کشتیها و ... به جنگ فلسطینیها می‌رود، آنها هیچ سلاحی ندارند که با دشمن مقابله کنند تا خواب و راحتی آنها را سلب کنند و امنیت و آسایش را از آنها بگیرند؛ مگر با این بمبهای بشری یعنی همان دختران و

جمهور فقهاء  
مسلمان براین  
مسئله اتفاق  
دارند که اگر سپاه  
دشمن در جنگ با  
مسلمانان گروهی  
از مسلمانان را  
به‌عنوان سپر در  
جلو سپاه خود قرار  
داده‌اند تا اولین  
تیرها به آنها اصابت  
کند، در این حالت  
به سپاه مسلمانان  
این اجازه داده شده  
است که به ناچار  
این گروه مسلمان  
را که به زور در  
اول سپاه کفر قرار  
گرفته‌اند، را بکشند  
در غیر این صورت  
نیروهای دشمن  
پیشروی می‌کنند  
و سپاه و نسل و  
سرزمین اسلامی را  
قلع و قمع خواهند  
کرد



پسران فلسطینی که خود را میان دشمنانشان منفجر سازند و این تنها سلاحی است که دشمنان آنها نمی‌توانند به آن دسترسی پیدا کنند؛ حتی اگر آمریکا با میلیاردها دلار و قوی‌ترین جنگ افزارها او را حمایت کند.

این سلاحی است که صاحب و دارنده آن تنها خداوند متعال است که فقط به اهل ایمان هدیه می‌دهد و این عدالت الهی در زمین است و تنها صاحبان بصیرت می‌توانند درک و فهم کنند. و این اسلحه ضعیف مظلوم در برابر قوی زورگوست. «... و ما یعلم جنود ربک إلا هو...؛ لشکرهای پروردگارت را جز او کسی نمی‌داند.» (۵)

### شبهات مخالفان

مخالفان عملیات شهادت طلبانه، این شبهات را وارد ساخته‌اند:

۱. این عملیات، نوعی خودکشی است و در مهلکه انداختن نفس است و از بزرگترین محرمات در اسلام است.

۲. در این عملیات افرادی از شهروندان کشته می‌شوند از جمله زنان و کودکان که قتل آنها در اسلام ممنوع و حرام است و حتی در رویارویی با دشمن، کشتن افراد بی سلاح ممنوع شده است چه برسد به شهروند بی سلاح و بی طرف.

۳. این عملیات باعث ویرانی و خسارتهایی بر فلسطین می‌شود؛ چرا که صهیونیستها برای انتقام از این کارها، به اقداماتی از جمله قتل و کشتار و نابود کردن و به آتش کشاندن و... مبادرت می‌ورزند

و حتی اگر عملیات شهادت طلبانه جایز باشد، با توجه به نتایج و آثار زیانبار آن، ممنوع خواهد شد؛ چرا که اهداف و مقاصد از نظر اسلام مطلوب می‌باشد.

### پاسخ به شبهات

۱. عملیات شهادت طلبانه، مقوله ای جدا از خودکشی است و تصور این موضوع که عملیات خودکشی و قتل نفس می‌باشد، پنداری نادرست است؛ چرا که این عملیات با خودکشی متفاوت است و با تجزیه و تحلیل این دو مساله، تفاوت فاحش آنها را می‌توان به راحتی درک نمود. فردی که به خودکشی اقدام می‌ورزد، ناشی از شکست و ناکامی در زندگی یا عشق یا در بن بست قرار گرفتن و یا ... می‌باشد و هنگامی که خود را در مقابل مشکلاتی که برایش پیش آمده ناتوان می‌بیند، تصمیم به فرار از زندگی می‌گیرد و به خودکشی اقدام می‌نماید، اما فرد شهادت طلب این کار را به این دلایل انجام نمی‌دهد؛ بلکه به خاطر هدف مهم‌تری که همه فداکاریها فدای آن می‌شود و آن تقدیم عزیزترین گوهر زندگی یعنی جان، به خداوند متعالی است تا در مقابل، بهشت را از او بخرد. «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنْ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمِ الْجَنَّةُ...؛ خداوند جان و مال مؤمنان را به بهشت خریداری می‌کند.» (۶)

پس اگر فردی با خودکشی به زندگی خود پایان دهد، نشان از ضعف اراده و شخصیت اوست و اما شهادت طلب، پیشقدم، شجاع و با اراده است و هدفش جلب رضایت خداست. «ومن الناس من

شرایط فلسطینیان، شرایطی در حالت اضطراری است و این ضرورت آنها را مجبور به انجام عملیات شهادت طلبانه می‌نماید تا دشمنان غاصب سرزمینشان را از بین ببرند و ترس و وحشت را در دشمنان بیندازند و زندگی را بر آنها سخت کنند و هر نوع آسایش و قراری را از ایشان سلب کنند که هر چه سریعتر به فکر فرار باشند و برگردند آنجایی که بوده‌اند و اگر دست به این عملیات شهادت طلبانه نزنند، مجبور به تسلیم در مقابل زورگوییهای آنها خواهند شد و همه چیزشان را از دست خواهند داد و هیچ حقوقی به آنها تعلق نخواهد گرفت





عملیات شهادت طلبانه، مقوله‌ای جدا از خودکشی است و تصور این موضوع که عملیات خودکشی و قتل نفس می‌باشد، پنداری نادرست است؛ چرا که این عملیات با خودکشی متفاوت است و تجزیه و تحلیل این دو مساله، تفاوت فاحش آنها را می‌توان به راحتی درک نمود. فردی که به خودکشی اقدام می‌ورزد، هنگامی که خود را مقابل مشکلاتی که برایش پیش آمده ناتوان می‌بیند، تصمیم به فرار از زندگی می‌گیرد، اما شهادت طلب، پیشقدم، شجاع و با اراده است و هدفش جلب رضایت خداست

است و اگر فلسطینیان، اسلحه‌های ناچیز و عملیات استشهادی را کنار بگذارند اسرائیلیها این بار راحت‌تر به کشتار آنها و تخریب سرزمینشان اقدام می‌کنند. ثالثاً: معقول و پسندیده نیست که خسارات وارده از جانب اسرائیلیها بر فلسطین را بزرگ بیندازیم و آثار عملیات شهادت طلبانه در رژیم صهیونیستی را از جمله ترس و وحشت که هر لحظه آنها را تهدید می‌کند و احساس ناامنی که بیشتر آنها را به کوچ کردن وادار نموده است و از فلسطین فرار کرده‌اند و یا تأثیرات بسزایی که این عملیات بر سیاست و گردشگری و اقتصاد اسرائیل گذاشته است را نباید نادیده بگیریم و این چیزی است که اسرائیل و آمریکا در پشت قضیه با بکارگیری هر نوع مکرری در تلاشند تا عملیات شهادت طلبانه را به هر وسیله‌ای حتی با صرف هزینه‌های کلان، متوقف کنند و از جمله تشویق حکومت خود گردان فلسطین برای سرکوب کردن مقاومت به بهانه مبارزه با تروریسم می‌باشد. بر این اساس اگر ما از عملیات شهادت طلبانه ناراحت و ناراضی باشیم، آنها بیشتر از ما به آن ناراضی هستند.

#### پی نوشتها

۱. هود، ۱۸.
۲. بقره، ۱۹۱-۱۹۳.
۳. ممتحنه، ۸-۹.
۴. بقره، ۱۷۳.
۵. مدثر، ۳۱.
۶. توبه، ۱۱۱.
۷. بقره، ۲۰۷.

یشری نفسه ابتغاء مرضاة الله ؛ در میان مردم کسانی یافت می‌شوند که جان خود را در برابر خشنودی خدا می‌فروشند.» (۷)

۲. و اما به این مساله که عملیات به کودکان و زنان وسالمندان و ... یهودیان آسیب می‌رساند قبلاً جواب دادیم که رژیم صهیونیستی حتی شهروندان عضو ارتش اسرائیل هستند و نسبت به کودکان باید گفت: هدف شهادت طلبان کشتن آنها نیست و نخواهد بود، اما کشتار آنها به دنبال هدف اصلی و به تبع آن صورت می‌گیرد که ضرورت، این گونه اقتضا می‌کند. از جمله: مباح شدن محرمات و ساقط شدن واجبات.

#### ۳. مساله جسارت به فلسطین

اگر این شبهه مطرح گردد که اسرائیل در انتقام از این عملیات چندین برابر آن را جبران می‌کند و این عامل موجب تخریب و از بین رفتن سرزمین فلسطین می‌شود، باید گفت که اولاً: اسرائیل همیشه شروع کننده شرو نزاع بوده و مقاومت نیز در تلاش بوده است که آنها را طرد و از خود دفاع کند و این امری واضح و آشکار است و کسی نمی‌تواند منکر این واقعیت گردد؛ همچنان که اسرائیل در قوانین بین‌المللی، کشوری اشغالگر معرفی شده و از فلسطینیان به عنوان مدافعان سرزمین خود یاد شده است.

ثانیاً: این خوی وحشی‌گری و دشمنی اسرائیل از گذشته تا امروز بوده و هست و کاری جز کشتار مردم و توقیف و تصرف در اموال آنها ندارند و این مسئله که جزوسرشت آنهاست امری غیر ناپذیر